

«گفت‌وگویی حافظانه با استاد بهاء‌الدین خرمشاهی»

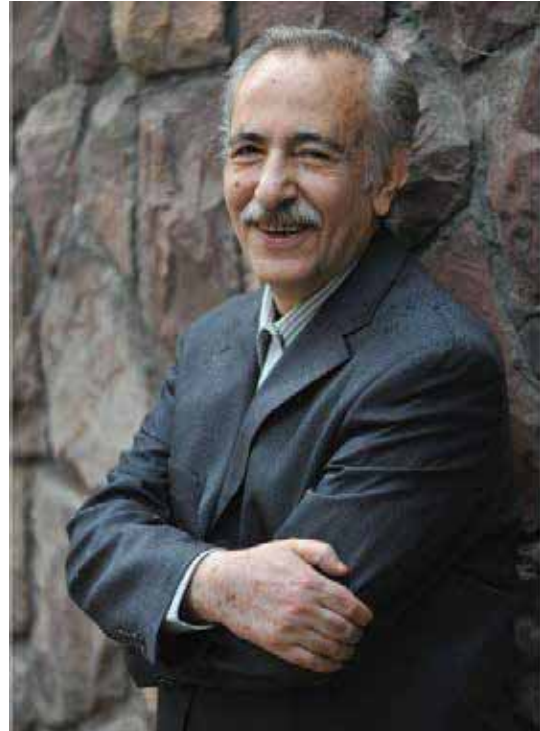
است. به همین مناسبت در این شماره از نشریه، گفت‌وگویی حافظانه از ایشان منتشر می‌شود. آنچه در ادامه می‌خوانید، پاسخ‌های مکتوب استاد خرمشاهی به پرسش‌های سردبیر این نشریه است و عکس دست‌نوشته‌های ایشان نیز در آرشیو مرکز حافظ‌شناسی ضبط شده است.
با سلام، لطفاً بفرمایید:

۱. با کدامیک از محورهای اندیشه‌ی حافظ، بیشتر مأنوس هستید و یا تلاش می‌کنید که در زندگیتان همواره در نظر داشته باشید؟

به نام خدا. پیش از آغاز بحث و پس از تشکر از شما (دختر فرزانه‌ی فرهنگی‌ام سرکار خانم سعیده رضازاده: سردبیر نشریه‌ی آینه‌دار جمال) عرض می‌کنم که در این مصاحبه سخنانم را ساده و روشن بیان می‌کنم تا با خوانندگان شما هم‌زبانی و همدلی کرده باشم. اگر اصطلاحی را به‌کار بردم و از توضیح آن غافل شدم از خوانندگان درخواست دارم که به دانشنامه‌ها و شرح‌های حافظ مراجعه کنند. این‌گونه آثار مرجع را در کتابخانه‌ی مرکز حافظ‌شناسی - به مدیریت عالی و علمی استاد دکتر کاووس حسن‌لی - می‌توانید پیدا و از آن استفاده کنید.

اگر حمل بر خودستایی نشود، بنده با اغلب محورهای اندیشه و هنر و حتی زبان و بیان حافظ آشنا و مأنوسم. از ۱۵ سالگی تا این ایام که در آستانه‌ی آغاز ۷۵ سالگی هستم. آیا شصت ال خواندن اشعار و اندیشیدن به آن‌ها و نیز خواندن آثار برجسته‌ای که درباره‌ی حافظ، چه شعر چه شخصیت او نوشته‌اند، کافی نیست؟

در اینجا چون سؤال شما یک محور را پرسیده است در پاسخ می‌گویم جنبه‌ی اخلاقی شعر حافظ است که مدام نفی و طرد ریا و ریاکاران است و دعوت به اعتنای فرصت سبز حیات. یکی از نکات برجسته‌ی شعر حافظ، زهدستیزی و زهدگریزی (منظورم گریز از زهد و زاهد است). ممکن است این سؤال برای دوستان جوان‌تر پیش آید که آیا مگر حافظ دین‌دار یا حتی پارسان نیست؟ پاسخ این است که آری هم مسلمان نیک‌اعتقاد است و هم اهل عباداتی چون نماز، روزه و هم پارساست. یعنی طهارت قلبی دارد و بسیار خدادوست است. اما مبارزه با ریا و طرد آن را چه بسا از قرآن و مشایخ بزرگ و پاکباز عرفان آموخته باشد. اما زهد ظاهری و زهد خشن را در سراسر دیوانش نفی کرده است. زاهد فقط کسی نیست که شب و روز با ذکر و دعا و



استاد بهاء‌الدین خرمشاهی (زاده‌ی ۱۳۲۴ در قزوین) شاعر، محقق، مترجم و حافظ‌پژوه ایرانی و عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. وی ابتدا در رشته‌ی پزشکی پذیرفته شد، اما در نیمه‌راه تحصیل تغییر رشته داد و از دانشگاه تهران، لیسانس زبان و ادبیات فارسی گرفت. سپس در رشته‌ی کتابداری ادامه تحصیل داد و به‌دریافت مدرک فوق لیسانس نایل آمد. او در حوزه‌ی مطالعات قرآنی و فلسفی، آثار ارزشمندی تألیف و ترجمه نموده است. همچنین دایرة‌المعارف تشیع و دانشنامه‌ی قرآن و قرآن‌پژوهی به‌همکاری و ویراستاری وی منتشر شده است. از آثار ایشان در حوزه‌ی حافظ‌پژوهی می‌توان به حافظ‌نامه، حافظ، ذهن و زبان حافظ، حافظ حافظه‌ی ماست، تصحیح دیوان حافظ، شرح عرفانی غزلهای حافظ و دانشنامه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی اشاره کرد. مرکز حافظ‌شناسی در بیست‌وسومین یادروز حافظ، کتاب دانشنامه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی ایشان را به‌عنوان برنده‌ی کتاب سال حافظ معرفی کرد. پیش از آن در سال ۱۳۸۸، چهارمین «نشان درجه‌ی یک علمی حافظ‌پژوهی» را به پاس عمری تلاش در عرصه‌ی حافظ‌پژوهی، به ایشان اهدا نموده

اینکه انسان موردپسند حافظ رند است و شرح ملامت و ملامتی‌گری به شرح غزل:

**منم که شهری شهرم به عشق ورزیدن
منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن
وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم
که در طریقت ما کافر نیست رنجیدن**

هم در شرح شوق، تألیف استاد دکتر سعید حمیدیان (صاحب شرح ۵ جلدی بردیوان حافظ) و نیز حافظ‌نامه که نوشته‌ی نگارنده‌ی این سطور در دو جلد است، شرح این غزل و نیز مقاله‌ای را که در تعریف یعنی معرفی رند و رندی نوشته شده است، مطالعه کنید. اصولاً این کتاب‌های مرجع و نیز در دانشنامه‌های حافظ برای روشن‌سازی این معانی و اصطلاحات دشوار است. حاصل کلام اینکه بزرگ‌ترین ارزش در دیوان حافظ انسان است و از کمال انسان دوستی اوست که نابسامانی‌ها اعم از اخلاقی، اجتماعی، سیاسی را بر نمی‌تابد. می‌گوید:

**آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست
عالمی دیگر نباید ساخت وز نو آدمی**

و یک رهنمود که شاید بهترین رهنمود در شعر و ادب فارسی و نیز عرفان و اخلاق اسلامی-ایرانی است، چنین عرضه می‌دارد:

**آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا**

۳. به نظر شما پیام حافظ برای انسان‌های معاصر چیست؟ و نسل جدید تا چه اندازه به حافظ نیازمند است؟

سؤال خوب و جامعی است و ده‌ها کتاب مرجع و غیرمرجع برای روشن‌سازی همین سؤال نوشته شده است. پیام حافظ، فقط یکی نیست، اگر فقط یکی را بخواهیم نقل و برجسته کنیم، این است:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

**حاصل از حیات ای جان این دم است تا دانی
پیام دیگر:**

**دسترخ تو همان به که شود صرف به کام
ور نه دانی که به ناکام چه خواهد بودن
پیام دیگر:**

**ای نور چشم من سخنی هست گوش کن
تا ساغرت پر است بنوشان و نوش کن
پیام دیگر:**

**نمیحتی گنمت بشنو و بهانه مگیر
هر آنچه ناصح مشفق بگویدت بپذیر
ز وصل روی جوانان تمتعی بردار
که در کمینگه عمر است مکر عالم پیر
پیام دیگر:**

**چو قسمت ازلی بی‌حضور ما کردند
گر اندکی نه به وفق رضاست خرده مگیر**

نماز و قرائت قرآن به سر می‌برد. طبق یک حدیث، تفکر به وجود و وحدانیت خداوند همراه با صلح و صفای درون، از هفتادسال عبادت آلوده به ریا، بهتر و برتر است. وگرنه حاکم خون‌ریز و مردم‌ستیزی مانند امیر مبارزالدین که نخستین امیر/حاکم/شاه از سلسله‌ی مظفریان بود که گاه مشغول قرائت قرآن بود و داروغه‌ها با محتسبان متهم یا حتی مجرمی را نزد او می‌آوردند و او قرائت قرآن را قطع می‌کرد و بدون ژرف‌کاوی از تهمت و جرم متهمان، با دست خود، آنان را می‌کشت. بدون آنکه بررسی کند که آیا محکوم یا محکومان را محاکمه کرده‌اند یا خود او سودای عدالت را داشته باشد. چه بسا از نظر ظاهرگرایان خشونت‌پیشه زاهدتر از پارسیان پاکدل بیاید. پارسیایی پاک‌درون و نیکی رفتار و گفتار و کردار است. بیش از این به این نکته یعنی ستیزه‌گری حافظ با ریا و زهد ریا نمی‌پردازم؛ زیرا دست‌کم ۱۰ تا ۱۲ صفحه به همین یک سؤال باید پرداخت. برای شرح و بسط بیشتر می‌توان به مقاله‌ی زهد، زهد ریا، ریا، امیر مبارزالدین در آثار مرجع از جمله دانشنامه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی (در جلد ۴) مراجعه کرد.

۲. همان‌طور که می‌دانید، موضوع یادروز حافظ امسال (۱۳۹۸)، «حافظ و انسان» بود؛ شما انسان را در اشعار حافظ چگونه می‌بینید؟

انسان حافظ انسانی است اعتدالی، دیندار و خوشخو، انسان‌دوست و دوستدار خدمت به انسان‌ها. ولی انسان محبوب و مطلوب او رند است که درباره‌ی رند چندسطری توضیح می‌دهم. پیش از آن، یکی از جملات خود را که درباره‌ی حافظ گفته‌ام، بازگو می‌کنم: حافظ انسان کامل نیست، کاملاً انسان است. یعنی چه بسا گناه، (البته صغیره و ناخواسته و بی‌اختیار) هم ممکن است از او سر بزند، اما توبه‌کار هم هست. البته ممکن است بگویید چرا تن به گناه، ولو صغیره، می‌دهد تا توبه کند؟ پاسخ این است که ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها در فرهنگ و جوامع متعدد بشری بسیار هست، اما رسیدن به آن‌ها دشوار است. حافظ با طنزی ظریف می‌گوید:

من ارچه عاشقم و رند و مست و نامه سیاه

هزار شکر که یاران شهر بی‌گنهند

یا همچنین:

نصیب ماست بهشت ای خدانشناس برو

که مستحق کرامت گناهکارانند

رند حافظ، نه به معنای اولیه‌ی این کلمه یعنی آدم بی‌سرو و پا و بی‌اخلاق و فاسد است، نه به معنای جدید آن یعنی آدمی که اهل همه‌گونه کارهای ناپسند در عین پنهان‌کاری است و منفعت طلب و عافیت طلب است. درباره‌ی رند هم می‌توان به کتاب مرجع پیش‌گفته و آثار حافظ پژوهانه‌ی دیگر مراجعه کرد. گفته‌اند و درست گفته‌اند که حافظ هم رند حقیق جو و ملامتی مسلک بوده است. در شرح معنای ملامت/ملامتی مسلک گفته‌اند که سالک یا عارف ملامتی مسلک، کسی است که نیکی‌های خود را پنهان می‌دارد، اما چندان کوششی برای پنهان‌سازی بدی‌ها و معایب خود ندارد. برای ملاحظه‌ی

من به سر منزل عنقا نه به خود بردم راه قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم

و شاید دوبست «دوبیت» از آغاز غزل‌های حافظ بتوان پیدا کرد تا این ویژگی هویدا شود که حسن مطلع‌های غزل حافظ بی‌نظیر است.

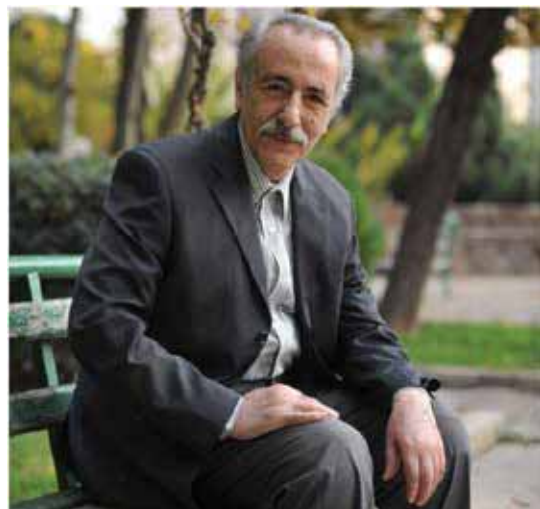
۵. برخورد محافل ادبی و دانشگاه‌ها را با دیوان حافظ چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خوب است و قابل قبول است، اما از متن به بطن و حلق حقیقت شعر حافظ کمتر پی برده‌اند. یعنی در بند ظاهر شعر حافظ مانده‌اند و از مضمون به معنا نرسیده، یا کمتر رسیده‌اند. البته حق دارند؛ زیرا رسیدن به ژرفای شعر حافظ به دانش‌های زیاد نیاز دارد، همچنین به بینش و مجموعاً جهان‌نگری پیشرفته. نیز به انس تام و تمام با ادب/ادبیات پیش از حافظ و تاریخ ایران، به‌ویژه تاریخ عصر مغول و تیمور و ایلخانان و مهم‌تر انواع علوم و معارف که در مرکز آن قرآن و علوم قرآنی است.

گفتنی است که این همه را نمی‌توان از محافل ادبی و دانشکده‌ها فراگرفت. در چندسال اخیر درس دوواحدی با عنوان «روخوانی حافظ» من ابتدا جا خوردم که این همه سطحی‌گرایی در نهایت سر از درک و درایت بطن و بطون شعر حافظ و نیز شناخت زمینه و زمانه‌ی او و شخصیت یکتا و یگانه‌اش در نمی‌آورد، اما با گفت‌وگوی بیش‌تر با فرزندم عارف که دانشجوی رشته‌ی ادبیات بود، به این نتیجه رسیدم که این درس یعنی روخوانی حافظ، مقدمه‌ای است واجب. اگر کسی با الفاظ و اصطلاحات و زبان حافظ انس نگیرد، چگونه به بیان و معانی او خواهد رسید. چنانکه بیش از یک‌هزار سال است که این نوآموزان می‌توانند به معنا و تفسیر قرآن بپردازند. حتی پس از تفسیر یک پایه بالاتر به نام تأویل وجود دارد، که به قول معروف خاص «راسخان در علم» است و به معارف و علوم و حکمت پیشرفته نیاز دارد و در هر عصری عده‌ی معدودی از دانشوران به آن مرحله می‌رسند. در مورد حافظ هم همین‌طور است. یعنی پس از سال‌ها قرآن‌خوانی، عده‌ای به قرآن‌پژوهی می‌رسند و عده‌ای کمتر از آنان، از حافظ‌پژوهی به حافظ‌شناسی نایل می‌گردند. عده‌ی کمی هم با سخت‌کوشی از قرآن‌پژوهی به قرآن‌شناسی می‌رسند و تعداد قرآن‌شناسان یا حافظ‌شناسان در هر عصری و نسلی از ده/دوازده نفر بیش‌تر نیست.

۶. در یک ارزیابی کلی، مطالعات حافظ‌پژوهی یک‌صدسال اخیر را چطور ارزیابی می‌نمایید؟ لطفاً نقاط ضعف و قوت پژوهش‌ها را از دیدگاه خود بیان فرمایید.

اصلاً در یک‌صد سال اخیر است که مطالعات حافظ‌پژوهانه پدید آمده است و از دهه‌ی چهل (۱۳۴۰-۱۳۵۰ش) به این سو، حافظ‌پژوهی ریشه دارد و پایدار می‌شود و عده‌ای از حافظ‌پژوهان سخت‌کوش که عمری در قرآن و حدیث و ادب عربی و فارسی به سر برده‌اند، از سطح فرا می‌روند و صاحب



همچنین:

عاقبت منزل ما وادی خاموشانست حالیای غلغله در گنبد افلاک انداز

و به‌واقع صدها پند و پیام دیگر. پیشنهاد دارم که یک‌بار دیوان حافظ، از این منظر یعنی ملاحظه‌ی پیام‌هایش را بازخوانی نمایید.

۴. بارزترین ویژگی حافظ را چه می‌دانید؟

لفظ ظریف و معنای لطیف. غیر از خیام، هیچ شاعر فارسی‌زبان دیگر این همه ظرافت‌پردازی نکرده است. چند دوبیت از چند غزل او را برای نمونه نقل می‌کنم:

ساقیا جام می‌ام ده که نگارنده‌ی غیب
نیست معلوم که در پرده‌ی اسرار چه کرد
آنکه بر نقش زد این دایره‌ی مینایی
کس ندانست که در گردش پرگار چه کرد

دوش با من گفت پنهان، کاردانی تیزهوش
وز شما پنهان نشاید کرد ستر می فروش
گفت آسان گیر بر خود کارها کز روی طبع
سخت می‌گردد/ می‌گیرد جهان بر مردمان سختکوش

به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم
بیا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم
الا ای همنشین دل که یارانت برفت از یاد
مرا روزی مباد آن دم که بی یاد تو بنشینم

فاش می‌گویم از گفته‌ی خود دلشادم
بنده‌ی عشقم و از هر دو جهان آزادم
طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق
که در این دامگه حادثه چون افتادم
من ملک بودم و فردوس برین جایم بود
آدم آورد در این دیر خراب آبادم

سال‌ها پیروی مذهب زندان کردم
تا به فتوای خرد حرص به زندان کردم

رأی و نظر می‌شوند و اجتهاد در حافظ‌شناسی پیدا می‌کنند. گفته‌اید نقاط ضعف و قوت پژوهش‌ها را بیان کنم. مهم‌ترین نقطه‌ی ضعف لفظ‌گرایی و خودپسندی است.

به قول حافظ: «خودپسندی جان من برهان نادانی بود». مراد از خودپسندی این است که کسی با وجود دانش‌ها و معارف قابل قبول، شیفته‌ی رأی و نظر خود باشد. و آثار دیگر حافظ‌پژوهان و حافظ‌شناسان را نخواند یا با چشم تحقیر در آن‌ها بنگرد یا اهل رقابت‌های بی‌حاصل باشد. یک نقطه‌ی ضعف دیگر، لفظ‌گرایی یا لفاظی یا به قول خودمانی‌تر «انسان‌پویی» درباره‌ی حافظ است. سخن آخرم در این زمینه این است که دوره‌ی ما یعنی نسل ۶۰-۷۰ ساله‌ها و ۳۰-۴۰ ساله‌ها از بهترین دوره‌های حافظ‌پژوهی و حتی حافظ‌شناسی است. به یکی از دوستانم که اتفاقاً صاحب رأی و نظر در کار حافظ است، با قطعیت گفتم ما (دو نسل) حافظ را از معاصران حافظ بهتر می‌شناسیم. او خندید و تصدیق کرد. چراکه در ششصدسال پس از حافظ، یک رساله و حتی یک مقاله (منظورم رساله‌ی کوچک است) درباره‌ی شعر یا شخصیت حافظ نداریم؛ اما در ۶۰-۷۰ سال اخیر بیش از ده کتاب و صد مقاله‌ی خواندنی و ماندنی درباره‌ی او داریم و ببخشید که نمی‌توانم نام ببرم یا فهرست و کتاب‌شناسی به دست بدهم. چون در ایران مصاحبه بنا بر مختصرگویی است.

۷. به نظر جناب عالی برای آینده، چه مطالعاتی در زمینه‌ی حافظ‌پژوهی در اولویت است؟

اول یک زندگی‌نامه‌ی معیارین (استاندارد) و مستند و معتبر و همه‌فهم و همه‌پسند درباره‌ی حافظ، دوم یک فیلم‌نامه و به مبنای آن یک فیلم و یک مستند ۱۰-۱۵ قسمتی درباره‌ی روزگار حافظ در زندگی او و بعضی رویدادهای سینماتیک از عصر او و زندگی او. این‌ها اولویت دارد.

۸. حضرتعالی تاکنون پژوهش‌های فراوانی در قالب، یادداشت، مقاله و کتاب در پیوند با حافظ ارائه نموده‌اید، آیا در حال حاضر مشغول به پژوهشی در پیوند با حافظ هستید؟ و یا در آینده برنامه‌ای در این باره دارید؟

بنده بیش از ده کتاب و صد مقاله درباره‌ی حافظ دارم و شاید بگویند آن خشت بود که پر توان زد! شاید هم حق با رقیبان و آدم‌های بی‌حوصله، ولو با سواد، باشد. در سال گذشته دانشنامه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی در چهار جلد بالغ بر ۲۴۰ صفحه منتشر شد که بحمدالله از سوی مرکز حافظ‌شناسی در شیراز، به مدیریت استاد دکتر کاووس حسن‌لی و برای جمعی از داوران به‌عنوان کتاب برگزیده‌ی حافظ‌پژوهی سال ۱۳۹۷ انتخاب شد. صدوپنجاه نویسنده با من همکاری داشتند که ۲۸ نفر آنان اهل شیراز و غالباً حافظ‌پژوه و صاحب اثر یا آثاری در این زمینه‌اند. اما هیئت تحریریه و کادر علمی و اداری آن عبارتند از: استاد دکتر سیدعلی موسوی گرماردی (مدیر اجرایی)، عارف خرمشاهی (دبیر)، خانم فرشته حاتمیان حقیقی (حروف‌نگار و نویسنده‌ی بعضی مقالات)، رسول عسکری

(نمونه‌خوان و ویراستار بعضی مقالات)، سید عباس سید محمدی (نمونه‌خوان و ویراستار بعضی مقالات)، محمد ورشویی (مدیر تولید).

استاد دکتر عبدالله جاسبی (سرپرست)، دکتر پژمان جعفری (نماینده و همکار سرپرست) و بنده سرویراستار و نویسنده‌ی بعضی مقالات.

۹. باتوجه به اینکه در یادروز حافظ امسال، کتاب دانشنامه‌ی حافظ و حافظ‌پژوهی که به‌کوشش حضرتعالی تدوین شده است، به‌عنوان «کتاب سال حافظ» از سوی مرکز حافظ‌شناسی انتخاب شد. ضمن عرض تبریک مجدد، لطفاً بفرمایید آیا برنامه‌ای برای چاپ مجدد، تکمیل یا ویرایش آن در آینده در نظر دارید؟

آری. هر مؤلفی این مسئولیت علمی و اخلاقی را دارد که نسبت به به‌سازی اثری که منتشر کرده کوشا باشد. تیراژ دانشنامه بیش از ۵۰۰۰ هزار است و به گمانم بعد از یک سالی که از انتشار آن می‌گذرد، دو تا سه سال هم طول می‌کشد که همه‌ی دوره‌هایش یعنی نسخه‌های چهار جلدی‌اش کلاً به فروش برسد. این کار در میان حدود ۱۷۰۰ مقاله، بیش از ۳-۴ مقاله‌ی نانوشته بیش‌تر ندارد. سرپرست گرامی و نماینده و همکار ایشان نظر دارند که این اثر به انگلیسی ترجمه شود. بنده موافق مشروط هستم، یعنی معتقدم بسیار خوب است که ترجمه شود؛ اما حداکثر یک چهارم آن برای مخاطب غربی و جهانی، مطلوب است. از سوی دیگر موفقیت کتاب در جهان و ایران رو به ضعف است.

به قول حافظ: تا چه بازی رخ نماید بیرقی خواهیم راند...!



نشریه‌ی خبری «سینه‌دار جمال»
وابسته به مرکز حافظ‌شناسی و گرسی پژوهشی حافظ

صاحب امتیاز: مرکز حافظ‌شناسی / مدیرمسئول: کاووس حسن‌لی
سردبیر: سعیده رضازاده / صفحه‌آرا: محسن گل‌آرایش
همکاران این شماره: سمانه اسدی، سمیرا امینی، سیدمحمدهادی
حسینی، ماندانا فیروزآبادی، فرزانه معینی، الهه نخعی
نشانی: شیراز، حافظیه، مرکز حافظ‌شناسی کدپستی: ۷۱۴۶۶۹۱۱۳۶
شماره تماس: ۰۷۱۳۲۲۸۸۶۱۴
وبگاه: www.hafezstudies.com
رایانامه: hafezstudies@gmail.com

گرسی پژوهشی حافظ، از سوی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور اعطا شده است.